

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2020S4D15SH1M93 ISSN-P: 2538-3701

مسئولیت ناشی از پسماند در پرتوهای رویکردهای مدیریتی حاکم بر آن

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

احسان نیر پور

چکیده

محیط زیست مکانی برای بقا و رشد و نمو بشر بوده و بدون برخورداری از محیط زیستی سالم روح انسان به رشد و تعالی دست نخواهد یافت. متأسفانه در روند توسعه یافتگی و صنعتی شدن کشورها چندان به حفاظت از محیط زیست توجه نشده و در فرآیند فعالیت های اقتصادی و صنعتی سودآور حمایت از محیط زیست از جایگاه قابل قبولی برخوردار نبوده است. در این چارچوب مسئله پسماندها و مدیریت دفع آنها به یکی از مسائل جدی زیست محیطی تبدیل شده است. تخلیه پسماندها در محیط زیست دریایی و غیردریایی موجب بروز مشکلاتی همچون ایجاد امراض گوناگون و نابودی برخی از اکوسیستم ها از قبیل دریاها، تالاب ها و جنگل ها گردیده است. این مشکلات جامعه ی حقوقی را واداشت تا تمام ابزارهای موجود برای مقابله با آنها را به کار بندد. در همین راستا روند توجه به آلودگی های زیست محیطی ناشی از پسماندها به طور جدی از دهه ی ۱۹۷۰ میلادی آغاز گردیده که منجر به تصویب اسناد متعدد بین المللی و نیز همکاری سازمان های بین المللی دولتی و غیردولتی برای مقابله با پسماندها گردید. همچنین دولت ها با ملاحظه ی اثرات ناگوار پسماندها بر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود سعی نمودند تا همگام با نظام بین الملل در توسعه ی قوانین داخلی خود در این زمینه کوشا باشند. در ضمن در مدیریت پسماندها و کاهش اثرات نامطلوب آنها پرداخته می شود. اگرچه نظام حقوقی در جهت حفاظت از محیط زیست در برابر

۶۲۳



پسماندها توانسته گام موثری را بردارد، لازم است که رسانه‌های جمعی نقش خود را در فرهنگ سازی در کاهش پسماندها و مقابله با آثار نامطلوب آن‌ها ایفاء نموده و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نیز با نظارتی کارآمد دستیابی موثر به حمایت از محیط‌زیست در برابر پسماندها و حفظ آن برای نسل‌های آینده را امکان‌پذیر سازند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۶۲۴



واژگان کلیدی: محیط‌زیست، مدیریت پسماندها، پسماندها، تعهدات و مسئولیت دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی

مقدمه

با گذر زمان و بی‌توجهی بسیاری که نسبت به محیط‌زیست وارد شد این اندیشه در ذهن جوامع مختلف بشری ایجاد گردید که عدم توجه به محیط‌زیست و عدم تنظیم مقررات در این زمینه به خصوص در زمینه‌ی حفاظت از محیط زیست در برابر پسماندها باعث می‌شود که کوهی زمین به نابودی کشانده شود. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست گرچه به عنوان رشته‌ای جوان در حقوق بین‌الملل وارد شد اما محیط‌زیست خود سال‌ها در رشته‌های فنی و مهندسی به منظور بهره‌برداری صحیح از منابع و جلوگیری و حفاظت از آلودگی به ویژه آلودگی‌های ناشی از پسماندها وارد شده است. به همین دلیل هنگام پرداختن به این شاخه از حقوق و بررسی مشکل پسماندها با واژه‌های کم و بیش علمی برخورد می‌کنیم که برای تنظیم و مقررات‌گذاری به منظور حفاظت و حراست از محیط‌زیست در برابر پسماندها ناگزیر از شناخت دقیق این واژه‌ها می‌باشیم، به گونه‌ای که بتوانیم طبق معانی دقیق هر واژه امکانات لازم را برای حفاظت از محیط‌زیست به عمل آوریم. از آنجایی که رشته‌ی حقوق بین‌الملل همیشه در ارتباط با دیگر علوم بوده است این شاخه از حقوق بین‌الملل نیز ناگزیر از این ارتباط می‌باشد. همچنین معضل پسماندها، تنها معضل رشته‌های فنی و مهندسی نمی‌باشد بلکه برای کنترل این معضل و برخورد جدی با پسماندها نیاز به استفاده از سایر علوم می‌باشد که می‌توان گفت رشته‌ی حقوق سهم عمده‌ای را در زمینه‌ی حفاظت و حراست از محیط زیست در برابر پسماندها بازی می‌کند. حقوق بین‌الملل محیط زیست در چند دهه‌ی اخیر رشد فراوان نموده است. با وقوع انقلاب صنعتی و رشد و بهبود شرایط کار توجه به محیط‌زیست به خصوص مسئله‌ی پسماندها روز به روز گسترش پیدا کرد. سرآغاز این تحولات را می‌توان در کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط‌زیست بشری در سال ۱۹۷۲ در استکهلم مشاهده نمود. ۱ که این کنفرانس نقطه‌ی عطفی در توجه جدی جوامع انسانی به محیط‌زیست را نشان می‌دهد و سنگ بنای بسیاری از قواعد بین‌المللی امروزی می‌باشد. بعد از این کنفرانس، کنفرانس‌ها و مقررات دیگری در جهت حفاظت و حراست از محیط‌زیست تدوین شد. در ابتدا این قواعد و مقررات غیرالزام‌آور بودند و تنها جنبه‌ی توصیه‌ای داشتند. اما با تکرار این قواعد معاهدات



جهانی و منطقه‌ای رفته رفته اصول و قواعد زیست محیطی حالت الزام‌آور به خود گرفتند. معضل پسماندها از جمله معضلاتی است که امروزه بیش از پیش گریبان‌گیر محیط-زیست پیرامون بشر و نیز خود بشر شده است. بشر از ابتدای زندگی خود بر روی کره‌ی زمین با مشکل پسماندها دست و پنجه نرم می‌کرد. لیکن در گذشته‌های دور به دلیل عدم توسعه جوامع انسانی و تکنولوژی، مسئله‌ی پسماندها همانند امروز توجه بشر را به خود جلب نکرده بود. تنوع و گوناگونی پسماندها، و مشکلات زیست محیطی خاص هر کدام از آنها، باعث شده است که در امر حراست از محیط زیست در کانون توجه قرار بگیرند. به گونه‌ای که مشاهده می‌کنیم نه تنها اعلامیه‌های زیست محیطی به موضوع پسماندها پرداخته‌اند، بلکه کنوانسیون‌هایی به طور خاص با موضوع پسماندها تدوین شده‌اند، که بارزترین و معروف‌ترین آنها کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل در خصوص حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آنها می‌باشد. محیط‌زیست به همه‌ی محیط‌هایی که در آنها زندگی جریان دارد اطلاق می‌شود. مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی خارجی و موجودات زنده که باهم در کنش هستند محیط‌زیست را تشکیل می‌دهند و بر رشد و نمو موجودات تاثیر می‌گذارند. محیط‌زیست همواره در معرض خطرات گوناگونی قرار گرفته که گاهی آنقدر کوچک شمرده شده‌اند که امروزه یک بحران جهانی را برای بشریت به وجود آورده‌اند. کم‌ترین بی‌توجهی به محیط‌زیست بزرگترین خسارات زیست‌محیطی را به همراه می‌آورد. امروزه حقوق محیط‌زیست به ویژه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، به عنوان حقوقی جوان و پویا به عنوان بانی و حامی محیط‌زیست مطرح است که هر روز بر اهمیت و گسترهی آن افزوده می‌شود و ارتباط آن با سایر رشته‌ها اعم از علوم فنی، فرهنگی، انسانی و غیره علنی‌تر و آشکارتر می‌گردد. مسائل فنی، صنعتی و فناوری هر چند که خود عاملی برای آلودگی و تخریب محیط‌زیست است اما از سوی دیگر می‌تواند با ابداعات، ابتکارات، ساخت و تولید وسایل یا مواد خاص در جهت جلوگیری از آلودگی و حفاظت محیط‌زیست موثر باشد. یکی از مشکلاتی که تا قبل از قرن هجدهم به دلیل رشد کم جمعیت جهان و نیز صنعتی نبودن کشورها به آن توجه چندانی نشد، مسأله پسماندها بود.



بخش اول: مفهوم و انواع پسماند

بند اول: مفهوم پسماند

ارائه تعریفی جامع و مانع از پسماند به علت تنوع ماهیت و درجه خطرناکی این مواد امر دشواری است. با وجود این دشواری ارائه تعریف برای شناخت ماهیت پسماند ضروری است. به همین دلیل و به ویژه به دلیل نبودن ورود این موضوع در قوانین کشورها، در کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین کشورهای مختلف سعی در ارائه تعریفی در این زمینه شده است. به موجب ماده ۲-۱ کنوانسیون بازل، زباله‌ها، اجسام یا اشیایی هستند که طبق مقرارت قانون ملی دفع می‌شوند یا باید دفع شوند. در این ماده هر چند تدوین کنندگان کنوانسیون در مقام ارائه تعریفی از پسماند بوده‌اند اما در واقع تعریفی ارائه نمی‌دهند. البته از این تعریف مجمل دو نکته مهم قابل استنباط است. اول اینکه، پسماند شی‌ای است که معمولاً دفع می‌شوند یا باید دفع شوند و دوم اینکه، تشخیص و تعیین قابل دفع بودن اشیاء و در نتیجه پسماند محسوب شدن آنها را قانون تعیین می‌کند. در حقوق فرانسه به «باقیمانده فرآیند تولید، یا باقیمانده هر ماده اولیه به کار رفته در فرآیند تولید و یا ماده اولیه تغییر شکل یافته یا استفاده شده و یا هر گونه مال منقول رها شده یا اینکه متصرف در نظر دارد آن را رها کند پسماند اطلاق شده است.» (عبداللهی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶) ماده ۱۹۳ قانون جدید جزایی کشور مالی مصوب ۲۰۰۱ مقرر می‌دارد: «محصولات و مشتقات استفاده نشده و غیر قابل استفاده، پسماندها و زباله‌های ناشی از یک فعالیت صنعتی، تجاری، کشاورزی، علمی یا هر گونه فعالیت که بتواند خطری برای بهداشت و محیط زیست خواه توسط خودشان یا در صورت تماس با سایر محصولات در اثر فعل و انفعالات شیمیایی یا خاصیت سمی‌شان داشته باشد، پسماندهای خطرناک تلقی می‌شود.» از نظر قانون مدیریت پسماندها «پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می‌شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم حاصل از فعالیت انسان بوده و از نظر تولید کننده زاید تلقی می‌شود.» پسماند باید به طور مستقیم یا غیر مستقیم از فعالیت انسانها تولید شود. چون به موجب قانون مدیریت پسماندها دخالت مستقیم یا غیر مستقیم انسان در تولید پسماند ضروری است لذا اگر مواد زایدی بدون دخالت مستقیم یا غیر مستقیم انسان تولید شود، نمی‌توان آنها را پسماند دانست. در نتیجه هرگاه بدون دخالت انسان کوه یا معدنی ریزش نماید، نخاله‌ها و سنگ‌های حاصل از





آن پسماند محسوب نمی‌شود تا نگهداری، مخلوط کردن، جمع آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه آنها در محیط واجد وصف کیفری باشد یا مسؤولیتی در پی داشته باشد. همچنین فضولات پرندگان و حیوانات وحشی که در طبیعت و بدون دخالت انسان زندگی می‌کنند را به علت عدم نقش آفرینی انسان در تولید آن نمی‌توان پسماند محسوب نمود. (موسوی مقدم، ۱۳۸۹، ص ۴۴) تاکید قانونگذار بر قید «دخالت انسان» موجب می‌شود که حتی لاشه حیوانات غیر اهلی را که بدون دخالت مستقیم یا غیر مستقیم انسان به طور طبیعی تلف می‌شوند از شمول تعریف «پسماند» خارج سازیم. هر چند آثار زیانبار زیست محیطی آنها بیشتر از پسماندهای حاصل از دخالت انسان باشد؛ لذا اگر بدون دخالت انسان موجودات دریایی تلف شوند یا حتی مرغ‌های یک مرغداری یا گاوهای یک گاوداری تلف شوند نمی‌توان آنها را پسماند و در نتیجه مشمول مقررات این قانون دانست. مگر اینکه «فعالیت انسان» را به گونه‌ای موسع تفسیر نماییم و اینگونه توجیه نماییم که مرگ مرغ‌های مرغداری یا دام‌های یک دامداری به طور غیر مستقیم از فعالیت انسان ناشی می‌شود زیرا یا انسان در نگاهداری آنها کوتاهی ورزیده است و یا بیماری عارض شده غیر مستقیم از فعالیت انسان ناشی شده است. (موسوی مقدم، ۱۳۸۹، ص ۴۵) با توجه به تعریف پسماند در قانون مدیریت پسماندها شاید بتوان نتیجه گرفت که نخاله‌های ساختمانی حاصل از تخریب ساختمان در اثر بلایای طبیعی همچون زلزله و سیل علیرغم داشتن حجم، ارزش و آثار زیانبار فراوان از شمول تعریف پسماندها خارج است؛ چرا که انسان در پیدایش زلزله و سیل و در نتیجه این نخاله‌ها نقشی را ایفا نمی‌کند. هر چند ساختمان را انسان ساخته است؛ اما معیار ارائه شده در این تعریف این است که تولید پسماند در نتیجه عمل انسان باشد که در این فرض انسان در تولید پسماند نقشی ندارد. وابسته کردن تعریف پسماند به نظر تولید کننده پسماند می‌تواند آثار زیانباری به دنبال داشته باشد زیرا با این قید مواد زایدی که علیرغم داشتن آثار مخرب زیست محیطی چون تولید کننده آنها را زاید نمی‌داند و می‌خواهد از آنها و بدون باز یافت بهره برد؛ از شمول تعریف پسماند خارج می‌شود و بر همین اساس است که به موجب بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون بازل «زباله‌ها اجسام یا اشیایی است که طبق مقررات قانون ملی دفع می‌شوند یا باید دفع شوند» به موجب کنوانسیون قانونگذار است که با ارائه معیارهایی اعلام می‌کند چه موادی

پسماند محسوب می شوند و دفع یا بازیافت آنها ضروری است و اراده تولید کننده را بی تأثیر می داند. ضمن اینکه مفهوم زاید در تعریف ارائه شده از سوی قانون مدیریت پسماندها مبهم است. زیرا تولید کننده‌های که مازاد بر نیاز شخصی محصولی را تولید می کند، مقدار بیش از نیاز او، مازاد محسوب می شود. در حالی که مسلماً قانونگذار نمی خواست چنین مصداقی را پسماند تلقی کند. به طور کلی واژه مواد زائد به آن دسته از موادی اطلاق می گردد که هیچ نوع ارزش و یا مورد استفاده‌ای ندارد. اگرچه این تعبیر از مواد زائد در همه موارد درست به نظر نمی رسد. مسلماً تمام مواد زائد باید به درستی تصفیه و دفع گردیده تا در نهایت شرایط و کیفیت محیط زیست به نحو مطلوب حفظ شده و بهبود یابد. ولی مواد زائد خطرناک به دلیل داشتن خصوصیتی چون سمیت، پایداری در محیط زیست، تحرک، اشتعال پذیری و سایر خصوصیات ویژه در مقایسه با سایر مواد زائد، مثل زباله‌های شهری، نیازمند قوانین و مقررات محکم تر و همچنین معیارهای کنترلی فنی تر و تخصصی تر هستند. یکی از تعاریف کاربردی در خصوص مواد زائد خطرناک، تعریفی است که توسط دو گروه ویژه متخصصین مدیریت صحیح زیست محیطی مواد زائد خطرناک در سال ۱۹۸۵ ارائه شده است. طبق این تعریف، مواد زائد خطرناک یعنی موادی به غیر از مواد پرتوزا که به دلیل میل ترکیبی شدید (Reactivity)، سمیت (Toxicity)، قابلیت انفجار (Explosively)، خاصیت خوردگی (Corrosively) و سایر مشخصات برای محیط زیست یا سلامتی انسان و سایر جانداران خطرناک بوده و می توانند خطر آفرین باشند. بدیهی است که این گونه مواد می توانند اثرات سوء گسترده ای را بر محیط زیست اعمال نموده و نیاز به بررسی دقیق میزان تولید، انتقال و کیفیت دفع بسیار ضروری به نظر می رسد.

بخش دوم: انواع پسماند

قانون مدیریت پسماند، پسماندها را به پنج نوع تقسیم کرده است: پسماند عادی، پزشکی یا بیمارستانی، ویژه، کشاورزی و صنعتی که ذیلاً هر یک از آنها به طور مختصر توضیح داده می شود.



بند اول: پسماند عادی

«به کلیه پسماندهایی گفته می شود که به صورت معمول از فعالیت های روزمره انسان ها در شهرها، روستاها و خارج از آنها تولید می شود از قبیل زباله های خانگی و نخاله های ساختمانی» ویژگی این نوع از پسماندها این است که از فعالیت های عادی و روزمره زندگی انسانها حاصل شوند بدون آنکه انسانها اقدام خاص و جدیدی همچون کشاورزی، فعالیت صنعتی یا پزشکی را برای به وجود آمدن آنها انجام دهند؛ اما «لجن های حاصل از تصفیه فاضلاب های شهری، تخلیه چاه های جذبی و فاضلاب خانگی» اگرچه از فعالیت های روزمره انسانها تولید می شوند؛ اما تنها در صورتی که خشک و کم رطوبت باشند، در دسته پسماندهای عادی قرار خواهند گرفت. هرچند بیشتر پسماندهای عادی را زباله های خانگی تشکیل می دهد اما پسماندهای عادی به زباله های خانگی محدود نمی شود. (بیک زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۵) در باب خسارت های ناشی از آلودگی پسماندها از آنجایی که این نوع از آلاینده ها ممکن است تأثیرهای سوئی بر جسم و سلامت افراد گذارد نمی توان در مضر بودن این نوع از آلاینده ها تردیدی به ذهن راه داد؛ برای نمونه مواد زائد خطرناک یا همان پسماندهای ویژه به علت کمیت، غلظت و یا کیفیت فیزیکی، شیمیایی و یا بیولوژیکی می توانند باعث افزایش میزان مرگ و میر و یا بیماری های بسیار جدی شوند و یا آن دسته از پسماندهای خانگی که جزو پسماندهای خشک محسوب شده و در طبیعت پایدارند و تا سالیان سال تجزیه نمی شوند. اثرهای مخربی بر حیات جانوران و گیاهان خواهند گذاشت. انواع ظروف پلاستیکی، بطری های پلاستیکی، روکش ها، کیسه ها، اسباب بازی ها، انواع ظروف یکبار مصرف و ... به طور متوسط ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ سال طول می کشد تا تجزیه شوند. ماندگاری این مواد در خاک باعث کاهش کیفیت خاک شده و حیات جانوران و گیاهان را به خطر می اندازد.

بند دوم: پسماند پزشکی یا بیمارستانی

به موجب بند ب ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها «به کلیه پسماندهای عفونی و زیان آور ناشی از بیمارستانها، مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاهی تشخیص طبی و سایر مراکز مشابه



پسماند پزشکی یا بیمارستانی گفته می‌شود.» به استثنای پسماندهای خطرناک بیمارستانی که به موجب قسمت اخیر ماده استنادی از شمول تعریف پسماندهای بیمارستانی خارج شده‌اند. (دبیری، ۱۳۸۸، ص ۴۲) بر این اساس برای اینکه پسماندی طبق قانون مدیریت پسماندها، پسماند پزشکی محسوب شود باید همزمان دارای سه ویژگی عفونی، زیان آور و ناشی شدن از فعالیت‌های پزشکی همانند مراکز بیمارستانی باشد. اما قضاوت در مورد اینکه چه نوع پسماندهایی، عفونی محسوب می‌شوند کار آسانی نیست. تا کنون تعاریف گوناگونی برای پسماندهای عفونی ارائه شده است که هر یک از آنها از شیوه نگهداری، جمع‌آوری و حمل و نقل و دفع این پسماندها، همچنین تعیین هزینه‌های مربوط به تکنولوژی جمع‌آوری و دفع و نهایتاً مخاطرات بهداشتی و زیست محیطی این پسماندها متأثر می‌باشند. سازمان محیط زیست آمریکا واژه پسماند عفونی را به این شرح تعریف کرده است: «پسماندهای عفونی شامل موادی هستند که می‌توانند باعث بروز بیماری‌های عفونی شوند. این مواد با چهار عامل بیماری‌زای زیر در ارتباط هستند:

۱- میزان عامل عفونت‌زا

۲- مقاومت عامل عفونت‌زا در محیط

۳- نحوه ورود به بدن میزبان

۴- مقاومت میزبان به عامل بیماری‌زا»

سازمان حفاظت محیط زیست آمریکا (EPA) پسماندهای بیمارستانی را به این شرح تعریف کرده است: «هر ماده زاید جامدی که در هنگام تشخیص بیماری، ایمن‌سازی بدن انسان و حیوانات و در تحقیقات مربوط به آنها یا در هنگام تهیه و تولید واکسن یا آزمایشات بیولوژیکی به وجود می‌آید.» (عمرانی، ۱۳۸۶، ص ۱۹) اگرچه بیمارستانها اصلی‌ترین منبع تولید پسماندهای پزشکی هستند اما نباید از دیگر منابع تولید کننده این گونه پسماندها همانند آزمایشگاههای تحقیقاتی، مطب پزشکان و دندان پزشکان، مراکز بیوتکنولوژی، خانه سالمندان و مراکز و منازل نگهداری افراد بیمار غافل بود. مسلماً در بیمارستانها و مراکز درمانی و

پزشکی علاوه بر پسماندهای عفونی و زیانآور، پسماندهای عادی هم تولید می‌شود که نه خطرناکند و نه عفونی و زیانآور. همانند پسماندهای بوفه‌ها و رستورانهای بیمارستانها؛ اما این دسته از پسماندها چون عفونی و زیانآور نیستند علیرغم این که از بیمارستانها و مراکز پزشکی تولید می‌شوند، پسماند پزشکی محسوب نمی‌شوند. اما به نظر می‌رسد اولاً با توجه به این که پسماندهای عادی تولید شده در مراکز درمانی و بیمارستانی فاقد ویژگی عفونی و زیان آور هستند، نمی‌توان آن‌ها را پسماند پزشکی عادی دانست بلکه آنها صرفاً «پسماند عادی» هستند و ثانیاً تمامی پسماندهای ناشی از مراقبت های پزشکی را نمی‌توان پسماند پزشکی ویژه دانست؛ زیرا اگر طبقه بندی مندرج در ماده ۹ ضوابط و روشهای مدیریت اجرایی پسماندهای پزشکی را بپذیریم نتیجه‌اش آن خواهد شد که اساساً چیزی به عنوان «پسماند پزشکی» بدون وصف عادی و ویژه وجود ندارد. در حالی که به موجب قانون مدیریت پسماندها، پسماندها به پنج دسته تقسیم می‌شوند که پسماند پزشکی یکی از انواع پنجگانه پسماندها است که اگر به دلیل بالا بودن یکی از خواص خطرناک از قبیل سمیت، بیماری‌زایی و ... مستلزم مدیریت خاص و ویژه باشد، پسماند پزشکی ویژه محسوب خواهد شد؛ لذا با توجه به قانون مدیریت پسماندها، پسماندهای تولید شده در بیمارستانها و مراکز درمانی و بهداشتی را می‌توان به شرح زیر تقسیم کرد:

۱- پسماند عادی

۲- پسماند پزشکی که دارای سه ویژگی عفونی، زیانآور و ناشی از فعالیت‌های بیمارستانی است.

۳- پسماند پزشکی ویژه یا خطرناک که علاوه بر عفونی، زیانآور و ناشی از فعالیت‌های بیمارستانی بودن، دارای یکی از خواص خطرناکی از قبیل سمیت، بیماری‌زایی، قابلیت انفجار است. نکته دیگر در تعریف پسماند پزشکی آن است که این پسماندها صرفاً از فعالیت‌های پزشکی مراکزی که به صورت حرفه‌ای فعالیت پزشکی می‌کنند تولید می‌شود و مثلاً اگر همین مواد در منزل یا مغازهای تولید شود که بیمارستان یا ... محسوب نشود، پسماند پزشکی

محسوب نمی شود؛ زیرا به موجب نص قانون این مواد باید توسط مراکز بیمارستانی تولید شود نه هر تولیدی و از طرفی از فعالیتهای روزمره آدمی هم نیست. مقید کردن تولید پسماندهای پزشکی صرفاً از بیمارستانها و مراکز درمانی موجب می شود که اگر این پسماندها از غیر مراکز درمانی و بیمارستانی تولید شوند، پسماند عادی محسوب شوند. حتی تصور اینکه جنین مرده به دنیا آمده در غیر از بیمارستان و مراکز درمانی یا باند رولهای پانسمانی عفونی، استفاده شده در خارج از محیطهای درمانی پسماند عادی محسوب شود علیرغم دارا بودن ویژگی عفونی و زیانآور، غیر منطقی است. به ویژه آنکه در نتیجه عادی محسوب شدن اینگونه پسماندها، مدیریت اجرایی این پسماندها بر عهده شهرداریها و دهرداریها می افتد و موجب مخلوط شدن پسماندهای عادی با این دسته از پسماندهای عفونی و زیانآور می شود که می تواند آسیبهای زیادی در پی داشته باشد.

بخش سوم: تعهدات دولتها در زمینه ی دفع و تخلیه پسماندها

قبل از شروع بحث باید ابتدا تعریفی از دفع و تخلیه پسماندها به عمل آورد:

دفع عملیاتی که : الف- شامل هیچکدام از روشهای متداول مانند بازیابی ، استفاده مجدد، احیاء، استفاده مجدد مستقیم یا هر نوع روش دیگری نمیگردد. ب- عملیاتی که شامل روشهای متداول بازیابی ، استفاده مجدد، احیاء، استفاده مجدد مستقیم یا هر نوع روش دیگری می باشد.¹ همچنین طبق تعریف فرهنگ لغت محیطزیست دفع به معنی تعیین

¹ - Art 4 (a-b) of Basel Convention on the Control of Transboundary Movement of Hazardous Wastes and their Disposal 1989, Amendment 3 of Bamako Convention on the Ban of the Import into Africa and the Control of Transboundary Movement and Management of Hazardous Wastes within Africa 1991, Waigani Convention to Ban the Importation into the Forum Island Countries of Hazardous and Radioactive Wastes and to Control the Transboundary Movement and Management of Hazardous Wastes within the South Pacific Region, 1995, Ezmir Protocol on the Prevention of Pollution of the Mediterranean Sea by Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal, 1996 and Protocol Relating to the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal and other Wastes in Sea about Control of





جای نهایی، انهدام مواد سمی، مواد رادیواکتیو، یا پسماندهای دیگر، آفتکشهای اضافی یا غیر قابل استفاده یا مواد شیمیایی دیگر، خاکهای آلوده و بشکتهای محتوی مواد خطرناک حذف شده از عملیات می- باشند و تخلیه به معنی مکانی برای تخلیه فضولات جامد بدون کنترلهای زیست محیطی آمده است. دفع غیرقانونی یعنی دفع پسماندها در مناطق غیر مجاز. همچنین دفع غیرقانونی شامل تخلیه باز^۱، تخلیه آزاد^۲ و تخلیه در شب^۳ اشاره دارد. زیرا پسماندها اغلب در مناطق باز و از وسایل نقلیه در کنار جادهها و دیر وقت در شب صورت میگیرد. تخلیهی غیرقانونی پسماندها در درجهی اول پسماندهای غیر خطرناک هستند که برای جلوگیری از پرداخت دستمزد و یا زمان و تلاش مورد نیاز برای دفع مناسب تخلیه میشوند. دفع غیرقانونی پسماندها اصولاً به دلیل نبود خدمات برداشتن آنها یا هزینهی سنگین جمع آوری آنها می باشد. تخلیهی غیر- قانونی تنها شامل پسماندهای غیر خطرناک نمیشود بلکه شامل پسماندهای خطرناک مانند رنگها، مواد شیمیایی خانگی، مایع خودرو و پسماندهای تجاری و صنعتی نیز میشود. دفع غیر قانونی ارزش اموال را پایین میآورد و علاوه بر خساراتی که برای سلامتی انسان و محیط- زیست دارد، جامعه را برای توسعه تجاری و مسکونی غیر جذاب میکند و هزینههای دولتها را با ادامهی تخلیه و دفع غیر قانونی افزایش میدهد.^۴ مطابق کنواسیون 1972 لندن راجع به جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع (تخلیه) مواد زائد و دیگر مواد دفع یعنی:

- 1- ریختن عمدی هر گونه زوائد یا سایر مواد به دریا از کشتی- ها، هواپیماها، سکوها یا دیگر سازههای ساخت دست بشر در دریا.2- دفع عمدی مواد کشتیها، هواپیماها، سکوها یا دیگر سازههای ساخت دست بشر در دریا به دریا. دفع شامل موارد زیر نمی- شود:

Transboundary Movement of Waste and other Matters at Sea, 1998 Give the Same Definition about Disposal.

¹ - Open Dumping.

² - Fly Dumping.

³ - Night Dumping.

⁴ - United States Environmental Protection Agency, Illegal Dumping Prevention Guidebook, Region 5, 1998, p 1-3

۱. ریختن مواد زائد یا سایر مواد در دریا به طور اتفاقی یا در پی عملیات عادی کشتیها، هواپیماها، سکوها یا دیگر سازههای ساخت دست بشر در دریا و تجهیزات آنها به غیر از مواد زائد یا دیگر موادی که به وسیله کشتیها، هواپیماها یا دیگر سازههای ساخته دست بشر در دریا که به قصد دفع مواد مزبور فعالیت میکنند، حمل میشود یا از به عمل آوری چنین مواد زایدی یا سایر مواد در کشتیها، هواپیماها، سکوها یا سازههای مزبور ناشی میشود. به جا نهادن مواد با هدفی غیر از دفع صرف چنین مواد زایدی مشروط بر اینکه ریختن چنین مواد زایدی با اهداف این کنوانسیون مغایرت نداشته باشد. همچنین به کلیه روشهای از بین بردن یا کاهش خطرات ناشی از پسماندها از قبیل بازیافت، دفن بهداشتی، زباله سوزی گویند. همچنین مطابق تعریف مادهی 1 کنوانسیون 2003 چارچوب حفاظت از محیطزیست دریایی دریای خزر¹ دفع و تخلیه عبارت است از هرگونه انتقال یا دفع عمدی مواد زائد یا سایر مواد ناشی از شناوردها، وسایط نقلیه هوایی، سکوها یا دیگر سازه های ساخت بشر هرگونه رهاسازی عمدی لاشه شناورها، وسایط نقلیه هوایی، سکوهایی بلااستفاده یا دیگر سازه های ساخت بشر در دریای مازندران. (مشهدی، 1391، صص 115 و 85).

۲. از جمله اسناد بینالمللی مهمی که به طور خاص در زمینهی تعهد دولتها در زمینهی دفع پسماندها وجود دارد عبارتند از: 1972 لندن در خصوص جلوگیری از تخلیه پسماندها و دیگر مواد، پروتکل 1986 نومه آ در مورد جلوگیری از تخلیه پسماندها توسط کشتیها در منطقه جنوب اقیانوس آرام²، کنوانسیون 1989 بازل در خصوص کنترل حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آنها، کنوانسیون 1995 وایگانی در مورد ممنوعیت واردات پسماندهای خطرناک و رادیواکتیو به داخل کشورهای مجمع الجزایری و کنترل حمل و نقل فرامرزی و مدیریت در رابطه با پسماندهای خطرناک در منطقهی اقیانوس آرام جنوبی³،

¹ - Convention for the Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea, 2003.

² - Protocol for the Prevention of Pollution of the South Pacific Region by Dumping, Numea,

³ - Convention to Ban the Importation into the Forum Island Countries of Hazardous and Radioactive Wastes and to Control the Transboundary Movement and Management of Hazardous Wastes within the South Pacific Reagion, Waigani, 1995.



پروتکل 1995 بارسلونا در مورد تخلیه پسماندها از کشتیها و هواپیماها^۱، پروتکل 1996 از میر مربوط به پیشگیری از آلودگی دریای مدیترانه از حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آنها، پروتکل 1996 لندن در خصوص جلوگیری از آلودگی دریا توسط تخلیه پسماندها و دیگر مواد زائد^۲، پروتکل 1998 منطقیهای کویت در مورد انتقالات فرامرزی و دفع پسماندهای خطرناک و دیگر ضایعات در دریا،^۳ کنوانسیون 1997 مشترک در مورد امنیت سوخت ارسال شده و مدیریت پسماندهای رادیواکتیو^۴، این اسناد و اسناد دیگری که به طور عام در مورد محیط زیست هستند مانند اعلامیه 1972 استکهلم و کنوانسیون 1992 هلسینکی در مورد حمایت از محیطزیست منطقی بالتیک^۵ قوانین مشابهی را در زمینه دفع پسماندها وضع نمودند که طبق آن تعهدات دولتها به شرح زیر میباشد:

- ۱- از ورود و صدور پسماندهای مضر یا سایر انواع پسماندها برای دفع جلوگیری به عمل آورند که در این صورت باید کشورهای دیگر را از تصمیم خود مطلع سازند.
- ۲- دولتها باید متعهد شوند که امکانات کافی دفع پسماندها، برای اداری پسماندهای مضر و سایر انواع پسماندها را داشته باشند.



¹ - Protocol for the Prevention of Pollution of the Mediterranean Sea by Dumping from Ships and Aircraft, Barcelona, 1995.3 - Protocol on the Prevention of Pollution of the Mediterranean Sea by Transboundary Movement of Hazardous Wastes and their Disposal, Izmir, 1996.

² - Protocol to the Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and other Matter, 1972, London, 1996.

³ - Protocol Relating to the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal and other Wastes in Sea, 1998.

⁴ - Joint Convention on the Safety of Spent Fuel Management and on the Safety of Radioactive Waste Management, 1997.

⁵ - Art 4 (a Art 4 (b-1)-2) Basel Convention. of Basel Convention, Art 4 (d -3) of Bamako Convention, Art 4 (d- 4) of Waigani

Convention 1995, Art 3(1) Code of on The International Transboundary Movement of Radioactive Waste 1990.

۳- اجازه ندهند که پسماندهای مضر و سایر انواع پسماندها در داخل ناحیه ای در جنوب 60 درجه عرض جنوبی^۱ دفع گردند.

اشخاص تحت حاکمیت ملی حاکمیت دولتها اجازه ندارند که خود، پسماندهای مضر و سایر انواع پسماندها را دفع کنند، مگر آنکه این اشخاص مختار یا مجاز باشند که اینگونه عملیات را انجام دهند. همچنین باید اطمینان حاصل کنند که امکانات کافی برای دفع پسماندهای مضر و سایر انواع پسماندها را داشته باشند. تمام تلاش خود را برای تثبیت و کاهش پسماندها برای دفع نهایی انجام دهند و معیارهایی جهت دفع و تصفیه بیخطر پسماندها طبق دستورالعملهای بینالمللی و نظارت بر آلودگی حاصل از پسماندها را به انجام رسانند.

۳. دفع پسماندها باید طبق موازین زیستمحیطی و به روشی مطمئن به عنوان خدمتی برای عموم مردم انجام شود و منابع مالی، فنی و انسانی بدین منظور فراهم گردانند.

به منظور جلوگیری از آلودگی دریاها، از طریق دفع پسماندها و سایر موادی که برای سلامت بشر ایجاد خطر میکنند، منابع زیستی و حیات موجودات دریایی را مخاطره آمیز می- نمایند، به امکانات رفاهی دریا آسیب می ساندند و یا با دیگر استفادههای قانونی از دریا تداخل پیدا میکنند، همه روشهای عملی را به کار بندند. همچنین از دفع پسماندها به هر شکل و صورتی باید ممانعت به عمل آید.

۴. اقدامات موثر را مطابق تواناییهای علمی، فنی و اقتصادی به منظور جلوگیری، کاهش و در جایی که حذف آلودگی ایجاد شده توسط دفع و سوزاندن پسماندها در دریا قابل اجرا میباشد به کار گیرند. دولتها باید اصل پیشگیرانه^۲ را در مورد حمایت از محیطزیست دریایناشی از آلودگی ناشی از دفع پسماندها به کار گیرند و اقدامات احتیاطی را در جایی که ایناعتقاد

^۱ مدار ۶۰ درجه جنوبی، دایرهای از عرض جغرافیایی است که در ۶۰ درجه جنوبی خط استوا قرار دارد و از نصف النهار مبدا شروع میشود و به سمت مشرق ۶۰ در جهی جنوبی از مناطق زیر میگردد: اقیانوس اطلس و اقیانوس منجمد جنوبی، اقیانوس هند و

^۲ - Principle of Prevention Action.



وجود دارد که پسماندها به محیطزیست و سلامت انسانها آسیب وارد میکند به کار بندند.^۱ تاسیسات دفع پسماندها برای کشتیها ایجاد نمایند.

۵. همچنین در صورت آلوده کردن محیط زیست دریایی با دفع یا سوزاندن پسماندها طبق این اصل که آلوده کننده باید آلودگی را پردازد^۲، هزینهی آلودگی را پردازند. دولتها باید اقدامات اداری و قانونی مناسب را بکار گیرند که دفع پسماندها در دریا با اجازهی خاص صورت گیرد.^۳

۶. دولتها از دفع و سوزاندن پسماندها در آبهای داخلی، دریای سرزمینی و منطقهی انحصاری و اقتصادی ممنوع میباشند.^۴

۷. مقام یا مقامات صلاحیتداری را برای دفع پسماندها، نوع و مقدار، محل و زمان موادی که قرار است دفع شوند، تعیین نمایند و اینکه تخلیه پسماندها با اجازهی آنها صورت گیرد.^۵

¹ of Waste and other Matter 1972,3 - Art6 (2) of Protocol 1998 Relating to the control of Transboundary Movements of Hazardous .

Wastes and their Disposal and Other Wastes in Sea.

² - The Polluter Pays Principle.

³ - Art 6 & 7 of Oslo Convention for the Prevention of Marine Pollution by Dumping from Ships and Aircraft 1972, Art 11 (2) of Helsinki Convention on the Protection of the Marine Environment of the Baltic Sea Area 1992, Art 3 (2) of London Protocol 1996, Art 4 (a) Amendment 2 of Paris Convention for the Protection of the Marine Environment of the North-East Atlantic 1992, Art 5 of Barcelona Convention Amendment to the Protocol for the Prevention of Pollution of the Mediterranean Sea by Dumping from Ships and Aircraft 1995.

⁴ - Art4 (a) of Bamako Convention 1991.

⁵ - Art 6 (b-d-1) of London Convention 1972, Art 11 of Oslo Convention 1972, Art 10 of Barcelona Protocol to the Mediterranean Convention for the Prevention of Pollution of the Mediterranean Sea by Dumping from Ships and Aircraft 1976, Art 5, 6 & 11 of Noumea Protocol for the Prevention of Pollution of the South Pacific Region by Dumping 1986, Art 11 (2) of Helsinki Convention 1992, Art 4 (3) of Amendment 2 of Paris Convention 1992, Art 6 (3) Protocol 1998 Relating to the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal and other Wastes in Sea.

۸. خدمات مناسب را به منظور گزارش به مقامات صلاحیتدارشان در مورد شرایطی که منجر به سوء ظن در مورد تخلیه و دفع غیر قانونی میشود، مهیا کنند.^۱ در مورد دفع پسماندهای رادیواکتیو دولتها طبق اسناد بینالمللی زیست محیطی متعهد میشوند که:

- ۱- از ریختن پسماندهای خطرناک و رادیواکتیو در دریا و زیر بستر دریا امتناع کنند.^۲
- ۲- دفع پسماندهای رادیواکتیو را به طور مطمئن توسط تمامی کشورها و حمایت از برنامه‌های مدیریتی پسماندهای رادیواکتیو در جهت سلامت انسان و محیط‌زیست را با اعمال روشهای حمایتی مناسب در سطح محلی با توجه به استانداردهای بینالمللی انجام دهند و خطرات بیولوژیکی، شیمیایی و دیگر خطرات که ممکن است از دفع پسماندهای رادیواکتیو ناشی شود را کاهش دهند.^۲
- ۳- امنیت تاسیسات دفع پسماندهای رادیواکتیو باید صورت گیرد و اقدامات لازم را در صورت نیاز برای بهبود چنین تسهیلاتی انجام دهند و نیز امنیت آن را بر افراد، جامعه و محیط‌زیست حتی پس از بسته شدن آنها مورد بررسی قرار دهند.^۳
- ۴- ارزیابی تمام عوامل مرتبط با سایتهای دفن که امنیت چنین امکاناتی در زمان عملیات اجرا و همچنین امکانات دفع پس از بسته شدن را تحت تاثیر قرار میدهد، صورت گیرد.^۴ همچنین طراحی و ساخت مناسب تاسیسات دفع پسماندهای رادیواکتیو به منظور کاهش تاثیرات احتمالی رادیواکتیو بر افراد، جامعه و محیط‌زیست، شامل مواد آزاد شده که قابل کنترل نیستند باید انجام شود. در این مرحله مقررات فنی برای بسته شدن تاسیسات دفع باید آماده گردد. همچنین قبل از ساخت و طراحی تاسیسات دفع پسماندهای هستهای ارزیابی سیستماتیک و ارزیابی زیستمحیطی نسبت به خطرات پیش رو توسط تسهیلات باید انجام

¹ - Art 12 of Barcelona Protocol 1976, Art 14 of Noumea 1986.

² - Art 2 (1-2) of Paipa Protocol for the Protection of the South-East Pacific Against Radioactive Contamination 1989, Art 4 (3) of Waigani Convention 1995.

³ - Art 12 (1) of Joint Convention, Art 13 (1- b) of Joint Convention.

⁴ - Art 13 (a -1) of Joint Convention.





گردد. این ارزیابیها باید در طول دوره‌ی عمر این تسهیلات و هم در زمان بسته شدن آنها صورت بگیرد.^۱

۵- هر یک از دولتها موظف به حصول اطمینان از عدم تاثیر سوء استقرار تاسیسات دفع پسماندهای رادیواکتیو در سایت بر روی فعالیت دیگر دولتها می باشند.^۲

۶- قبل از عملکرد تاسیسات دفع پسماندهای رادیواکتیو، به روز شدن جزئیات مختلف ارزیابیهای ایمنی و زیستمحیطی باید صورت گیرد^۳ و حمایتهای فنی و مهندسی در تمامزمینههای مربوط به ایمنی در سراسر اجرای تاسیسات دفع پسماندهای رادیواکتیو باید قابلدسترس باشد.^۴

۷- طرحهایی را برای بسته شدن تاسیسات دفع آماده و به روز کنند و در موقع ضرورت استفاده از اطلاعات باید بازبینی شود.^۵ پس از بسته شدن تاسیسات دفع سوابق عملی، طراحی و موجودی امکانات مورد نیاز توسط مجموعه نظارتی حفظ شود.^۶

۸- همچنین دولتها موظفند روشهایی را برای شناسایی و جداسازی دفع پسماندهای رادیواکتیو صورت دهند.^۷

از جمله استثنائات مربوط به تعهدات دولتها در زمینهی دفع و تخلیه پسماندها عبارتند از:

الف- فورس ماژور^۸ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
در صورتی که حفظ ایمنی جان اشخاص یا کشتیها، هواپیماها، یا دیگر وسایل نقلیه، سکوها و یا دیگر سازههای ساخت دست بشر در دریاها و خشکی ها در موارد بسیار ضروری ناشی از

1 - Art 14 (1), Art 15 (1) of Joint Convention.

2 - Art 13 (2) of Joint Convention.

3 - Art 15 (3) of Joint Convention.

4 - Art 16 (4) of Joint Convention.

5 - Art 16 (9) of Joint Convention.

6 - Art 17(1) Of Joint Convention.

7 - Art 16 (5) of Joint Convention.

8 - Force Major.

شرایط نامطلوب آب و هوایی یا در موردی که جان انسان را به مخاطره میافکند و یا تهدیدی جدی برای کشتیها، هواپیماها، یا دیگر وسایل نقلیه، سکوها و دیگر سازه‌ی ساخته دست بشر در دریا و خشکی وجود داشته باشد، اگر دفع مواد زائد تنها راه جلوگیری از دفع تهدید باشد و احتمال کمی وجود داشته باشد که در نتیجه دفع پسماندها خسارت کمتر از زمانی بشود که در غیر از آن صورت اتفاق خواهد افتاد، دفع مزبور به منظور به حداقل رساندن احتمال آسیب و ضرر به انسان یا حیات آبریزان انجام خواهد شد. چنین دفع و تخلیه‌ی باید سریعا به دولتهایی که از این دفع تحت تاثیر واقع میشوند و سازمانهای مربوطه اطلاع داده شود.

ب- موقعیت اضطراری^۱

دولتها تعهد میکنند که در مواقع اضطراری که خطرات غیرقابل قبولی در ارتباط با سلامتی انسان وجود دارد و راهحل معقول دیگری درباره آنها وجود نداشته باشد، اجازه خاص در مورد تخلیه پسماندها صادر کنند. دولتها قبل از انجام چنین عملی باید با کشور یا کشورهایی که ممکن است تحت تاثیر قرار گیرند مشورت نماید. دولتی که در شرایط اضطراری قرار گرفته باید پیشنهادهای دولتهای دیگر را تا عملیترین حد متناسب تا زمانی که عمل باید در محدوده‌ی آن صورت گیرد و منطبق با تعهد کلی پرهیز از خسارت وارد آوردن به محیط-زیست دریایی و غیر دریایی باشد، انجام دهد. دولتها متعهد میشوند در چنین شرایطی به یکدیگر مساعدت نمایند.^۲

بند اول: تعهدات دولتها در زمینه‌ی حمل و نقل فرامرزی پسماندها^۳

قل از شروع بحث ابتدا باید تعریفی از حمل و نقل فرامرزی پسماندها ارائه نمود:

^۱ - Emergency Situation.

^۲ - Art 5 (2) of London Convention 1972, Art 9 of Oslo Convention 1972, Art 9 of Barcelona protocol Amendment of Paris Convention 1992.1976, Art 6 of Paipa Convention 1989, Art 10 of Noumea Protocol 1986, Art 9 of

^۳ - Tarnsboundary movement of wastets.





انتقال فرامرزی به معنی انتقال پسماندهای مضر یا سایر انواع پسماندها است از ناحیه‌ای تحت حاکمیت ملی یک دولت به ناحیه‌ای تحت حاکمیت ملی یک دولت دیگر یا از طریق آن، یا به ناحیه‌ای یا از طریق ناحیه‌ای که تحت حاکمیت ملی دولت دیگری نباشد، مشروط به آنکه لااقل دو دولت در این انتقال ذی مدخل باشند.^۱ انتقال غیرقانونی یعنی انتقال بدون اطلاع یا موافقت کشور مربوطه (کشوری که پسماندهای به قلمرو سرزمین او وارد می‌شود) یا انتقال با موافقت کشور ذیربط اما از طریق جعل، قلب واقعیت یا تقلب یا در صورتی که نحوه انتقال عملاً با مدارک مغایر باشد و یا در صورتی که انتقال منجر به دفع عمدی پسماندهای مضر یا سایر انواع پسماند برخلاف اصول کلی قوانین بین‌المللی گردد، می‌باشد.^۲ از جمله اسناد بین‌المللی زیستمحیطی که به طور خاص در زمینه‌ی تعهد دولتها در مورد حمل و نقل پسماندها وجود دارد عبارتند از: کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل در خصوص کنترل حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آنها، کنوانسیون ۱۹۹۱ باماکو در مورد ممنوعیت واردات به آفریقا و کنترل رفت و آمد فرامرزی و مدیریت در خصوص پسماندهای خطرناک در محدوده‌ی آفریقا کنوانسیون ۱۹۹۵ وایگانی در مورد ممنوعیت واردات پسماندهای خطرناک و رادیو اکتیو به داخل کشورهای مجمع‌الجزایر و کنترل حمل و نقل فرامرزی و مدیریت در رابطه با پسماندهای خطرناک در منطقه اقیانوس آرام جنوبی، پروتکل ۱۹۹۶ از میر مربوط به پیشگیری از آلودگی دریای مدیترانه از حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آنها، پروتکل ۱۹۹۸ در مورد کنترل انتقالات فرامرزی و دفع پسماندهای خطرناک و دیگر ضایعات در دریا، کنوانسیون ۱۹۹۷ مشترک در مورد امنیت سوخت فرستاده شده و مدیریت پسماندهای رادیواکتیو. لازم به ذکر است که در این میان به اسناد دیگری همچون دستور کار ۲۱ نیز توجه شده است. تعهدات بین‌المللی دولتها در

^۱ - Art 2 (3) of Basel Convention 1989, Art 4 (1) of Bamako Convention 1991, Art 1 of Waigani Convention 1995, Art1 (6) of Ezmir Protocol 1996.

^۲ - Art 9 (1) of Basel Convention, Art 9 (1) of Bamako Convention 1991, Art 9 (1) of Waigani Convention 1995.

زمینهای حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک شامل تعهدات آنها به صدور و ورود پسماندها، ورود مجدد و انتقال غیر قانونی میشود که در زیر به ترتیب بررسی خواهد شد.

الف) تعهد دولتها در مورد صدور و ورود پسماندها

تعهد دولتها با توجه به اسناد بین المللی زیست محیطی نامبرده در بند سوم همین فصل عبارتند از:

۱- صدور پسماندهای مضر و سایر پسماندها به کشورهایی که ورود اینگونه پسماندها را منع کردهاند هنگامی که از چنین تصمیمی مطلع شدهاند منع نمایند.¹ در صورتی که کشور صدور توانایی فنی و وسایل لازم، محللهای دفن مناسب و ظرفیتهای کافی برای دفع پسماندها به نحو موثر و از لحاظ زیستمحیطی را نداشته باشد یا پسماندهای مورد صادرات به عنوان مواد اولیه برای بازپروری یا صنایع بازسازی در کشور ورود لازم باشد، اجازه ی صدور صادر شود. بنابراین کشور ورود باید امکانات کافی برای دفع اینگونه پسماندها داشته باشد.¹ به عنوان مثال اگر بگویند که در کشور ورود پسماندها، از تکنولوژی مناسب برای بازیافت تجهیزات الکترونیکی به صورتی که مطابق با شیوهی سازگار با محیط- زیست باشد برخوردار نباشد، دولت صادرکننده اجازهی هیچ گونه حمل و نقلی را ندارد.²

۲- دولتها باید دولتهای ذینفع را در تصمیمات اتخاذ شده توسط آنها مربوط به عدم موافقت کلی یا جزئی با ورود پسماندها جهت دفع در داخل منطقه تحت حاکمیت ملی خود آگاه سازند.³

۳- صدور پسماندهای خطرناک و دیگر پسماندها را هر گاه که کشور واردکننده کتبا در مورد خاصی از ورود پسماندها موافقت نکرده باشد و در صورتی که در مقررات کشور وارد

¹ - Art 4 (9) of Basel Convention 1989, Art 4 (i -3) of Bamako Convention 1991, Art 4 (2) of Protocol 1998 Relating to the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal and other Wastes in Sea.

² - Controlling Transboundary Movements of hazardous Wastes, www.basel.int, pp1-4, at 2.

³ - Art 13 (c- d -2) of Basel Convention 1989, Art 13 (c- d -2) Of Bamako Convention 1991.





کننده ورود اینگونه پسماندها منع شده باشد، منع کنند.^۱ همچنین دولت صادر کننده ملزم است که کتبا و از طریق مراجع صالح کشورش، مرجع صالح کشورهای ذینفع را از هرگونه انتقال فرامرزی پسماندها مطلع سازد و کشور ورود باید کتبا به کشور اطلاع دهنده پاسخ دهد و موافقت خود را تحت شرایطی یا بدون قید و شرط اعلام دارد یا از اجازهی انتقال امتناع ورزد یا اطلاعات بیشتری درخواست نماید. تا زمانی که کشور صدور تاییدیه کتبی دریافت نکرده است نباید اجازهی صادرات را اعلام دارد. همچنین کشور عبور میتواند از دادن رضایت امتناع ورزد یا درخواست اطلاعات اضافی نماید.^۲ هدف از این مرحله این میباشد که صادر کننده به طور مناسبی وارد کننده حمل و نقل فرامرزی پسماندها را آگاه سازد. زمانی که اشخاص حقیقی یا حقوقی حمل و نقل پسماندها را انجام میدهند صادر کننده و یا تولیدکنندهی پسماندها باید مقامات دولت صادر کننده را از حمل پسماندها آگاه سازد. قبل از اینکه حمل و نقل اجازه داده شود تولید کننده و دفعکننده قراردادی برای دفع پسماندها منعقد میکنند. این قرارداد باید تضمین کند که دفع طبق اصول زیستمحیطی صورت میگیرد. اگر مقامات صالح دولت صادر کننده مخالفی با صادر کردن پسماندها نداشته باشند اطلاع میدهند یا نیاز میباشد که تولید کننده یا صادر کننده به مقامات صلاحیتدار دولتهای مربوطه (دولت وارد کننده یا دولت عبور) در مورد حمل و نقل به وسیلهی سند اطلاع رسانی اطلاع دهند. هدف این آگاهی مهیا کردن اطلاعات جزئی، دقیق و کامل پسماندها در مورد عملیات دفع آنها و دیگر جزئیات مربوط حمل و نقل به مقامات صلاحیتدار کشورهای مربوطه (کشور وارد کننده و عبور)

^۱ - Art4 (c- 1) of Basel Convention 1989, Art4 (s- i- 3) of Bamako Convention 1991, Art 4 (13) of Protocol 1998 Relating to the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and

their Disposal and other Wastes in Sea.

^۲ - Art 6 (1-2-3) of Basel Convention 1989, Art 3 (5) of Code of Practice on the International Transboundary Movement of Radioactive Waste 1990, Art 6 (1-2-4) of Bamako Convention 1991,

Art 6 (1-2-3) of Waigani Convention 1995, Art 6 (3-4) of Ezmir Protocol 1996, Art 8 (3-4-5) of Protocol 1998 Relating to the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal and other Wastes in Sea, Art 27 (a- b- 1) of Joint Convention 1997.

میباشد.^۱ کشور صدور میتواند تنها از یک اطلاعیه کلی در صورت موافقت کشورهای ذیربط استفاده کند در صورتیکه پسماندها خصوصیت شیمیایی و فیزیکی‌شان تغییر نکند و به طور مرتب از طریق گمرک کشور صدور، کشور ورود و در مورد عبور از طریق گمرک کشور یا کشورهای عبور برای دفع کننده معین و واحد ارسال می‌گردد.^۲

۳- هنگام حمل و نقل فرامرزی پسماندها مقررات بین‌المللی مربوط به برجسب زنی و بسته بندی را رعایت کنند.^۳ همچنین پسماندها باید از نقطه‌ی انتقال تا دفع دارای سند انتقال باشند.^۴ این اسناد حمل و نقل شامل: اطلاعات مربوطه بر حمل و نقل خاص، برای مثال، بر تمام حامله‌های محموله که ماموران گمرک آن را عبور دادند، نوع پسماندها و چگونگی بسته بندی آنها میشود. همچنین این اسناد اطلاعات دقیق مبنی بر اختیارات که توسط مقامات صلاحیتدار برای حمل و نقل پیشنهاد شده است را شامل میشوند.^۵ اطلاعات مربوط به انتقال پسماندها با تبیین اثرات آن بر انسان و محیط‌زیست به کشورهای ذیربط ارائه می‌گردد.^۶ همچنین هر انتقال برون مرزی پسماندها باید تحت پوشش بیمه، یا هر گونه ضمانت نامه‌ای قرار گیرد.^۷



1 - Controlling transboundary movements of hazardous wastes, www.basel.int,pp1-4,at 2.

2 - Art 6 (6) of Basel Convention 1989, Art 6 (6) of Waigani Convention 1995.

3 - Art 4 (b- 7) of Basel Convention 1989, Art 3 (4-3) of Code of Practice on the International Transboundary Movement of Radioactive Waste, Art 4 (ii- 3) of Bamako Convention 1991, Art 4 of Protocol 1998 Relating to the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal and other Wastes in Sea.

4 - Art 4 (c -7) of Basel Convention 1989, Art 4 (iii- 3) of Bamako Convention 1991, Art 4 (5) of Protocol 1998 Relating to the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal and other Wastes in Sea.

5 - Controlling Transboundary Movements of Hazardous Wastes, www.basel.int,pp1-4,at 3.

6 - 4 (f- 2) of Basel Convention 1989, Art 4 (u -3) of Bamako Convention 1991, Art 4 (a- 2) of Waigani Convention 1995, The Same Article in Art 4 (6) of Protocol 1998 Relating to the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal and other Wastes in Sea.

7 - Art 6 (11) of Basel Convention 1989, Art 6 (10) of Bamako Convention 1991, Art 6 (10) of



۴- دولتها باید بخواهند که هر شخصی که مسئول انتقال برون مرزی پسماندها است مدرک انتقال را به محض تحویل یا دریافت پسماندها مورد نظر امضاء نماید. آنها همچنین باید بخواهند که دفع کننده دریافت پسماندها را در زمان مناسب و تاریخ خاتمه دفع را، همانگونه که در اطلاعیه مشخص شده است، به اطلاع صادرکننده و مرجع صالح کشور صدور برسانند. هر گاه این امر به اطلاع کشور صدور نرسیده باشد مرجع صالح کشور صدور یا صادرکننده باید کشور ورود را مطلع سازد.

۵- از ورود پسماندهای خطرناک و دیگر پسماندها در صورتی که تشخیص دهند پسماندها به نحو صحیحی از لحاظ زیستمحیطی اداره نخواهند شد جلوگیری نمایند.

۶- پسماندهای خطرناک و دیگر پسماندها را که قرار است به کشورهای دیگری صادر شود، به نحوی در کشور صدور یا هر جای دیگری اداره شود که از لحاظ زیستمحیطی سالم باشد و اقدامات مناسب را برای کاهش آلودگی ناشی از صدور پسماندها به کشورهای دیگر انجام گیرد.

۷- انتقال برون مرزی پسماندها به حداقل تقلیل دهند و آنها را به نحوی اداره کنند که سازگار با محیط زیست باشد و این عمل به طرزى انجام گیرد که اطمینان حاصل کنند سلامت انسان و محیط زیست در برابر اثرات سوء ناشی از اینگونه انتقالات حفظ میشود، و استانداردهای بین المللی را در این زمینه رعایت کنند.

بخش چهارم: مسؤولیت مدنی ناشی از آلودگی پسماندها

بند اول: مبانی نظری مسؤولیت مدنی ناشی از آلودگی پسماندها

رفتارها و فعالیت‌های افراد می‌تواند دانسته یا ندانسته، مستقیم یا غیر مستقیم، در مقام اجرای حقوق و آزادی‌ها یا غیر آن سبب ورود ضرر و خسارتی برای دیگران شود. در شناخت یا عدم شناخت مسؤولیت مدنی به جبران خسارت وارده دو ملاحظه متعارض وجود دارد، از یک سو حمایت از آزادی و حقوق افراد در انجام عمل و فعالیت مستلزم آن است که نسبت به آثار خسارت‌باری که از اعمال آزادی‌عاری از خطا و اشتباهی ناشی شود مسؤولیت جبران خسارت

منتفی باشد و از سوی دیگر، حفاظت از تمامیت جسمانی، مالی و معنوی افراد اقتضاء می‌کند کسانی که به نحوی موجب لطمه به دارایی و حقوق مادی و معنوی افراد می‌شوند مسؤول جبران خسارت وارده شناخته شوند. قاعده کلی و مبنای مسؤولیت مدنی در نظام‌های مختلف حقوقی با توجه به میزان اهمیت و اولویتی که برای هر یک از این دو ملاحظه در نظر گرفته شده، شکل گرفته است. منظور از مبنای مسؤولیت مدنی، سیاست و گرایشی است که در یک نظام حقوقی برای شناخت مسؤولیت مدنی به رسمیت شناخته شده است. (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۱) در زمینه مبنای مسؤولیت مدنی نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که بیشتر جنبه فلسفی دارد و حقوق موضوعه را کم و بیش تحت تأثیر قرار داده است، هر چند که در هیچ کشوری، یکی از نظریه‌ها به طور کامل و در همه موارد پذیرفته نشده است. در اکثر کشورها نظریه تقصیر مبنای اصلی مسؤولیت مدنی است، اگر چه در مواردی بر اساس نیازها و مصالح اجتماعی نظریه خطر یا مسؤولیت بدون تقصیر مورد قبول قانون‌گذار واقع شده است. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۶۷) در حیطه مسؤولیت مدنی آلوده کنندگان محیط زیست نیز کشورهای مختلف از مبانی متفاوتی برای تبیین مسؤولیت آنان بهره جسته‌اند که در ذیل به این موضوع پرداخته می‌شود.

الف) نظریه تقصیر

نظریه تقصیر در مسؤولیت مدنی یک نظریه قدیمی و سنتی است که تا اواخر قرن نوزدهم میلادی در غرب حاکم بوده است. برابر این نظریه مسؤولیت مدنی مبتنی بر تقصیر (اعم از عمدی یا غیر عمدی) است و فقط کسی را می‌توان مسؤول شناخت که مرتکب تقصیر شده است و اثبات آن اصولاً بر عهده زیان دیده است. طرفداران این نظریه که حتی امروز نظریه غالب و اصلی در غرب و شاید بیشتر کشورهای جهان است آن را با مفاهیم اخلاقی توجیه می‌کنند: مسؤولیت مدنی چهره خاصی از مسؤولیت اخلاقی و از این رو بدون تقصیر قابل قبول نیست؛ محکوم کردن شخصی بی‌آنکه تقصیری از او سرزده باشد، محکوم کردن بی‌گناه است که اخلاق آن را نمی‌پسندد. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۶۷) تعاریف زیادی از تقصیر ارائه



شده است که از میان آن‌ها می‌توان به این تعریف اشاره نمود: «تقصیر عبارت است از انجام دادن کاری که شخص، به حکم قرارداد یا عرف، می‌بایست از آن پرهیز کند یا خودداری از کاری که باید انجام دهد.» (کاتوزیان ، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴) این تعریف از جمع مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ قانون مدنی نیز استنباط می‌شود: بر طبق مواد ۹۵۱ و ۹۵۲: «تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است» در تعریف قانون مدنی، مفهوم تقصیر قطع نظر از مرتکب آن مورد توجه است؛ مزیتی که مرز میان مسؤولیت کیفری و مدنی را به گونه‌ای قاطع رسم می‌کند: در مسؤولیت کیفری به نیت مرتکب و مجازات او پرداخته می‌شود، ولی در مسؤولیت مدنی، نفس تجاوز به معیار عرفی «رفتار مباح در زندگی اجتماعی» مطرح است و سبب ضمان قرار می‌گیرد. مزیت دیگر تعریف در این است که به داوری عرف تکیه کرده است؛ منتها چون در آن معلوم نشده است که چگونه باید به داوری عرف دست یافت نیاز به اصلاح و تکمیل دارد. برای رسیدن به این منظور، باید انسانی متعارف و معقول و محتاط را، که نماینده و مظهر اخلاق و رسوم اجتماعی است، در نظر آورد و دید، اگر چنین انسانی در شرایط خواننده دعوا قرار گیرد چه واکنشی از خود نشان می‌دهد. (کاتوزیان ، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶) بدین ترتیب در تعریف تقصیر می‌توان گفت: «تجاوز از رفتاری است که انسانی معقول و متعارف در همان شرایط حادثه دارد.» با افزودن عقل بر عرف تعریف تعدیل می‌شود، زیرا اگر عرف نامعقول و خطرناکی در جامعه مستقر شود، پیروی از آن را به دشواری می‌توان بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری شمرد. عقل در نظام حقوقی به عرف نیاز دارد و به آن احترام می‌گذارد، ولی در برابر آن زانو نمی‌زند و جای سستی خود را به آن نمی‌بخشد. پس باید گفت: پیروی از عرف و رفتار انسانی متعارف لازمه احتیاط است، مشروط بر اینکه عرف معقول باشد. رفتار نامعقول بی‌احتیاطی است، هر چند که عادت همگان باشد. (بابایی ، ۱۳۹۴، ص ۱۳۹) در زمینه مسؤولیت مدنی ناشی از آلودگی پسماندها، از یک سو نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه طبق



ماده ۱۴ قانون مدیریت پسماندها^۱ تابع کنوانسیون بازل می‌باشد؛ از سویی دیگر مسؤولیت‌های ناشی از این نوع آلاینده‌ها در غیر از موارد حمل و نقل برون مرزی پسماندهای ویژه بر اساس قانون مدیریت پسماندها و آیین نامه اجرایی آن و سایر ضوابط و دستورالعمل‌های موجود و قواعد عام مسؤولیت مدنی می‌باشد. کنوانسیون بازل تکالیف متعددی را در خصوص حمل و دفع پسماندهای خطرناک بر عهده دولت‌ها بار نموده که از جمله آن‌ها پروتکل مسؤولیت مدنی ۱۹۹۹ می‌باشد که سعی دارد یک رژیم مناسب مسؤولیت مدنی متناسب با فوریت جبران خسارات ناشی از حمل پسماندهای خطرناک را ایجاد کند. این پروتکل حاوی نکات قابل توجهی در خصوص مبنای مسؤولیت مدنی است.^۲ پروتکل مسؤولیت مدنی ۱۹۹۹ برای هر دو رژیم مسؤولیت محض و مبتنی بر تقصیر مقرراتی را تعیین نموده است. ماده ۵ پروتکل متضمن مسؤولیت مبتنی بر تقصیر است. در حقیقت اگر اثبات شود که خسارت وارده در جریان حمل یا دفع فرامرزی پسماندهای خطرناک به دلیل مسامحه یا تقصیر غیر عمدی شخص معینی (اعم از حقیقی یا حقوقی) ایجاد شده است، وی مسؤول جبران خسارت است. رجوع به مقصر اگرچه نیاز به اثبات تقصیر دارد و از پشتوانه بیمه نیز برخوردار نیست، لیکن با این مزیت روبروست که مسؤولیت مقصر نامحدود است. مگر اینکه ثابت شود تقصیری که منجر به ایجاد خسارت شده از ناحیه شخص زیان دیده ایجاد شده است که در این صورت مطابق با ماده ۹ پروتکل، ممکن است شخص مسؤول اصلی کلاً یا جزئاً از مسؤولیت معاف شود؛ و یا اینکه



^۱ ماده ۱۴ قانون مدیریت پسماندها مقرر می‌دارد: نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه تابع مقررات کنوانسیون بازل و با نظارت

مرجع ملی کنوانسیون خواهد بود. نقل و انتقال درون مرزی پسماندهای ویژه تابع آیین نامه اجرایی مصوب هیأت وزیران خواهد بود.

^۲ پروتکل مسؤولیت مدنی ۱۹۹۹ هنوز لازم الاجرا نشده است؛ زیرا لازم الاجرا شدن آن نیاز به تصویب حداقل بیست کشور عضو کنوانسیون دارد. لازم به ذکر است کشور ایران نیز هنوز به این پروتکل ملحق نشده و این امر بسیار عجیب است. زیرا پروتکل مسؤولیت مدنی برای کشور ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه که می‌تواند آماج دفع پسماندهای خطرناک کشورهای صنعتی قرار گیرد، راهگشای بسیاری از مشکلات اقتصادی و فرهنگی است.

ثابت شود حادثه منجر به ایجاد خسارت، کاملاً ناشی از تقصیر عمدی ثالث (اعم از زیان دیده) بوده است که در این صورت طبق قسمت د بند ۵ ماده ۴ پروتکل، هیچگونه مسؤولیتی متوجه شخص مسؤول اصلی نخواهد بود. (یزدانیان، ۱۳۹۵، ص ۱۳) قانون مدیریت پسماندها و آیین‌نامه اجرایی آن مقررہ ای در باب مبنای مسؤولیت مدنی ندارد. دستورالعمل مدیریت اجرایی پسماندهای ویژه در بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی و ضوابط واگذاری آن به اشخاص حقیقی و حقوقی مصوب ۱۳۸۷ مبنای مسؤولیت را تقصیر متخلفین می‌داند. بند پ بخش دوم از مبحث اول این دستورالعمل مقرر می‌دارد: «در صورت ورود هرگونه خسارت ناشی از عدم رعایت مقررات بهداشتی مربوط به مدیریت اجرایی پسماندهای پزشکی ویژه به اشخاص یا محیط زیست مسؤولیت آن به عهده تولید کنندگان و اشخاص حقیقی و حقوقی مسؤول عملیات فوق با توجه به قصور آنان می‌باشد.»

ب) نظریه ایجاد خطر (مسؤولیت مطلق)

از نظر تاریخی، مسؤولیت بی‌تقصیر مقدم بر نظریه تقصیر است. در حقوق قدیم، توجه قانونگذاران بیشتر به جبران خسارت زیان دیده بوده است. در این دوران، هر کس مسؤول نتایج کارهای خویش بود و برای تحقق مسؤولیت احراز رابطه علیت بین کار و ایجاد خسارت کافی می‌نمود. در حقوق اسلام نیز، با آنکه نشانه‌هایی از مفهوم تقصیر و اثر آن در مسؤولیت وجود دارد، تکیه بر جبران ضرر است و هدف اصلی این است که هیچ ضرری جبران نشده باقی نماند. در کامن‌لا نیز وضع به همین منوال بوده است: دادگاه‌ها به استقرار صلح بین اشخاص و پرهیز از انتقامجویی خصوصی بیش از هر چیز اهمیت می‌دادند. احتمال دارد از آغاز نیز مفهوم اخلاقی در ذهن دادرسان می‌آمده و در مسؤولیت اثر داشته است، ولی عامل اصلی نبوده است. به طور خلاصه، حقوق به قصد عامل کمتر توجه داشت تا به ضرر زیان دیده و احساس عمومی این بود که «هر که می‌شکند، باید خسارت پردازد» چنان که یکی از دادرسان در ۱۷۸۳ ضمن دلایل خود می‌گوید: «اگر مردی در حال خواب به راه افتد و به دکان چینی فروشی رود و همه چیز را بشکند، خواب بودن او پاسخ کاملی در برابر ادعای نامه



تجاوز و تخریب است، ولی او بایستی پاسخی را که برای چینی‌های شکسته شده اقامه می‌شود بدهد.» (پولوک (Pollock)، ۱۳۸۹، به نقل کاتوزیان، ص ۱۲۲) رفته رفته این تمایل به وجود آمد که مسئولیت بر مبنای تقصیر استوار شود. این تحول، تا پایان قرن نوزدهم ادامه داشت و تنها در این تاریخ است که می‌توان ادعا کرد نظریه تقصیر به طور کامل در کامن‌لا پذیرفته شده است. نظریه ایجاد خطر، به مفهوم تازه خود، از پدیده‌های فکری قرن بیستم و نتیجه انقلاب صنعتی و نظریه‌های فلسفی است که از اواخر سده نوزدهم آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد. ماده اصلی این فکر از مکتب تحقیقی ایتالیا و نظریه‌ی فری درباره مسئولیت کیفری سرچشمه می‌گیرد. در زمینه مسئولیت مدنی، نفوذ مکتب ایتالیایی بر خلاف مسئولیت کیفری دور از انتظار نبود. زیرا، اگر در حقوق کیفری وجود تقصیر برای تحقق جرم لازم می‌نمود، در امور مدنی که مسئولیت به منظور جبران خسارت زیان دیده به وجود می‌آید و دور از هرگونه شائبه جزایی است، این ملازمه ضرورت نداشت. پس جمعی در این اندیشه شدند که مفهوم تقصیر را از مسئولیت جدا سازند و آن را بر پایه مصالح و عدالت اجتماعی بنیان نهند. بدین سان نظریه ایجاد خطر به وجود آمد. مهم‌ترین فایده‌های که برای نظریه جدید گفته شده این است که، با حذف تقصیر از زمره ارکان مسئولیت مدنی، دعاوی جبران خسارت آسانتر به مقصود می‌رسد و زیان دیده از دشواری اثبات تقصیر خواننده معاف می‌شود. در نظریه ایجاد خطر همه چیز جنبه علمی پیدا می‌کند. دادرس باید، بسان علوم طبیعی و مادی، در پی علت ورود خسارت باشد و همین که رابطه علیت را احراز کرد عامل را مسؤول شمارد و در بند کاوش‌های اخلاقی و روانی نباشد. انتقاداتی از نظریه ایجاد خطر به عمل آمد چرا که نظریه ایجاد خطر نیز مانند نظریه تقصیر، گزافه است و نیاز به تعدیل و انعطاف دارد (یزدانیان، ۱۳۹۵، ص ۶) در زمینه مسئولیت زیست-محیطی اولین بار قانون آلمان در این باره مسئولیت مطلق کارخانجات خاص را برقرار نمود. بر اساس این نظریه، تنها عامل تعیین کننده و قاطع این است که اثبات گردد آیا اثرات ناشی از آن کارخانه سبب خسارت به شخص یا مال شده است یا خیر؟ قانون سوپر فوند (the super fund) امریکا این اصل را مبنا قرار می‌دهد. آنهایی که از فعالیت‌های به وجود آورنده آلودگی سود و انتفاعی می‌برند باید هزینه پاکسازی را قطع نظر





از تقصیر بپردازد و این همان نظریه خطر در برابر انتفاع مادی است که معادل آن در حقوق ما قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» می‌باشد. در قانون جامع مسؤولیت ناشی از لطمه و اختلال به محیط زیست امریکا مسؤولیت مبتنی بر نظریه ایجاد خطر (مسؤولیت مطلق) می‌باشد و دفتر محیط زیست اروپا گرایش به مسؤولیت مطلق دارد. همچنین در قانون مربوط به مواد ریخته شده (spills law) ۱۹۸۰ انتاریو (ontario) مسؤولیت مطلق پیش بینی شده است. کنوانسیون لوگانو نیز به همین مسؤولیت اشاره دارد. همانطور که ملاحظه می‌شود تمام کشورهای به سمت این مسؤولیت گام برمی‌دارند و این مبنای مسؤولیت را به منظور حفاظت محیط زیست و بسیاری از اهداف زیست محیطی دیگر برگزیده‌اند. باین حال در میان کشورهای اروپایی تنها کشور انگلستان بر نظریه تقصیر اصرار می‌ورزد و بیمه گران و صنایع و اتحادیه‌های صنعتی، کنفدراسیون‌های کارفرمایان اروپا، فدراسیون شورای صنعت شیمیایی اروپایی با این نظام مسؤولیت بدون تقصیر مخالفت می‌ورزند. (نادعلی، ۱۳۸۰، ۳۵) در خصوص مسؤولیت مدنی ناشی از آلودگی پسماندها نیز ماده ۱۴ قانون مدیریت پسماندها نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه را تابع کنوانسیون بازل قرار داده است. ماده ۱۲ کنوانسیون به منظور تعیین رژیم‌های مناسب مسؤولیت از دولت‌های عضو به کارگیری پروتکلی را در این زمینه خواستار شد و به همین منظور «پروتکل مسؤولیت مدنی و جبران خسارات ناشی از حمل و دفع فرامرزی پسماندهای خطرناک» ۱۹۹۹ تصویب شد. [هر چند به دلایل پیش گفته پروتکل مذکور هنوز لازم الاجرا نشده است]

نتیجه گیری و پیشنهادات

انسان در یک نظام زیستی که شامل موجودات زنده، هوا، آب و خاک است زندگی می‌کند و خود او نیز جزئی از این نظام محسوب می‌شود. برای بقای نظام، تعادلی که میان اجزای آن وجود دارد نباید بر هم بخورد؛ زیرا در این صورت، زندگی موجودات و از جمله انسان به خطر خواهد افتاد. اگر انسان در نظام زیستی دخالت شدید روا ندارد این تعادل باز هم برقرار خواهد شد، همچنان که قرن‌ها چنین بوده است؛ اما از زمانی که انسان بر طبیعت

اطراف خود مستولی شد و توانست تا حد زیادی در آن دخل و تصرف کند تعادل نظام زیستی بر هم خورد و هر چه این دخل و تصرف بیشتر می‌شود، عدم تعادل نیز نمایان‌تر می‌گردد تا بدان حد که امروزه وضعیت به قدری بحرانی شده و حیات بشر چنان بحرانی است که خود او به فکر افتاده تا چاره‌ای برای رهایی از دامی که خود گسترانده است، بیابد. البته این دام، به مفهوم متوقف شدن تخریب محیط‌زیست و آلودگی‌ها نیست، بلکه به مفهوم آگاهی یافتن نسبت به وضعیت خطرناک موجود است. بشر دیگر نباید به طبیعت اطراف خود به صورت برده‌های بنگرد و به خود اجازه دهد هر نوع که می‌خواهد از آن بهره‌برداری کند، بلکه باید روابط خود را با آن به روابطی انسانی تبدیل کند؛ یعنی به آن احترام بگذارد و از اقدام به رفتاری که باعث آسیب رسیدن به محیط‌زیست می‌شود، پرهیزد. بشر باید قانون طبیعت را مراعات کند؛ زیرا این قانون همان قانونی است که بقا و تداوم تمام موجودات می‌باشد و نظام زیستی را ضمانت می‌کند. روابطی که در محدودهی این قانون بین اجزای مختلف طبیعت به وجود می‌آید چنان است که توانایی بازسازی و بازگشت به حالت اولیه را پس از هر تغییری ممکن می‌سازد. زیرا هر یک از انواع در حد نیاز از محیط پیرامونش استفاده و ارتزاق می‌کند و چون به حد نیاز اکتفا می‌شود، آسیب چندانی به طبیعت وارد نمی‌گردد و فرصت کافی برای بازسازی و رسیدن به حالت مطلوب نخستین فراهم می‌شود؛ اما نادیده گرفتن این قانون و تحمیل قانون بشر بر طبیعت، همچنان که شاهد هستیم، باعث بر هم خوردن تعادل نظام زیستی خواهد شد و سرانجام حیات انسان را نیز با خطر مواجه خواهد کرد.^۱ برای پیشگیری از چنان وضعیتی، نیاز به حقوق بین‌الملل محیط‌زیست داریم. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل می‌باشد که رفتار کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را در زمینه‌ی محیط‌زیست تنظیم می‌کند.^۲ از دهه‌ی ۱۹۶۰ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست رشد فزاینده‌ای خود را آغاز نمود. گرچه ابتدا قوانین بین‌الملل زیست‌محیطی با هدف سودمندی اقتصادی ایجاد شده بودند^۳ اما به تدریج رشد اقتصادی و پیشرفت‌های فزاینده‌ی تکنولوژی در دوره‌ی معاصر سبب خسارت‌های اساسی به محیط‌زیست گردیدند.^۴ پیشرفت در اقتصاد و صنعت علاوه بر اینکه مزایایی را برای



بشریت در پی دارند معایبی را نیز با خود به ارمغان آوردند و آن آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی است. یکی از این آلودگی‌ها معضل پسماندها می‌باشد. گرچه بشر از سال‌های دور مثلاً ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح با مشکل پسماندهای غیر خطرناک دست و پنجه نرم می‌کرد^۵ و همیشه در پی راهی برای خلاصی از آن بود اما پسماندهای خطرناک و روش مدیریتی آن‌ها معضل نسبتاً جدیدی بود که بشر با آن رو به رو گشت. روش مدیریتی پسماندهای خطرناک و آسیب‌های جدی که برای انسان و محیط‌زیست دارد جامعه‌ی بین‌الملل را به این فکر واداشت که پسماندها علاوه بر اینکه باید به صورت مهندسی مدیریت شوند، باید به صورت قوانین حقوقی نیز تحت نظم درآیند تا تکالیف ضمانت اجراهای قوی ایجاد شوند. گاهی اوقات در حقوق بین‌الملل قوانین تنظیم شده به صورت قوانین غیرالزام آور و نرم هستند و با گذر زمان، هنگامی که دولت‌ها آمادگی پذیرش و اجرای این قوانین را در جامعه‌ی بین‌الملل و نظام حقوقی خود یافتند، این قوانین به صورت الزام آور در می‌آیند. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از این امر مستثنا نمی‌باشد. بنابراین شروع توجهات جدی اما غیرالزام آور به تمامی مسائل و معضلات زیست‌محیطی از جمله پسماندها از سال ۱۹۷۲ با پذیرش اعلامیه‌ی استکهلم^۱ در مورد محیط‌زیست شروع شد تا ۱۹۹۲ با پذیرش اعلامیه‌ی ریو^۲ و دستور کار ۲۱^۳ همچنان به کار خود ادامه داد. البته معضل پسماندها تنها به این اعلامیه‌ها واگذار نشد بلکه در سال ۱۹۷۲ با توجه به اهمیت دریاها در حمل و نقل افراد و اشیا کنوانسیون لندن در مورد جلوگیری از آلودگی ناشی از تخلیه‌ی پسماندها و دیگر مواد در دریا^۴ شکل می‌گیرد. این کنوانسیون یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین‌المللی پذیرفته شده در نظام حقوق بین‌الملل محیط‌زیست (دریایی) و با هدف کنترل و جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از تخلیه و دفع پسماندها و تشویق و حمایت از انعقاد قراردادها و توافقنامه‌های منطقه‌ای مکمل این کنوانسیون می‌باشد. تصویب کنوانسیون بازل در خصوص نظارت بر حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آن‌ها در سال ۱۹۸۹^۵ با ۳۰ ماده و ۶ ضمیمه و با هدف الزام دولت‌های عضو به کاهش حجم نقل و انتقال فرامرزی پسماندهای موضوع کنوانسیون و ایجاد این مواد در حد بی‌ضرر به



محیطزیست و اعمال مدیریت مناسب و موثر نسبت به نقل و انتقال و دفع مواد مذکور تغییر شگرفی را در توسعه قوانین و مقررات بین‌المللی زیست محیطی در زمینه‌ی پسماندها به وجود می‌آورد. البته نباید از یاد برد که حق بر محیطزیست سالم به عنوان نسل سوم حقوق بین‌الملل بشر با اعلامیه‌ی هبستگی مصوب ۱۹۸۲ پا عرصه‌ی وجود گذاشت و از آنجایی که حقوق بشر نیز تماما سعی بر برشمردن تعهدات دولت‌ها به منظور حراست هر چه بیشتر از حقوق افراد دارد این امر در مورد محیطزیست مستثنا نمی‌باشد. دولت‌ها طبق کنوانسیون‌های متعدد زیست محیطی ملزم به حفاظت از محیطزیست می‌باشند به عنوان مثال کنوانسیون حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه‌ی محیطزیست (آرهوس) مصوب ۱۹۹۸ میلادی^۶ تعهدات دولت‌ها نسبت به افراد در مورد مشارکت‌های عموم در امور زیست محیطی را بر شمرده است، این امر به صورت روشنی در کنوانسیون‌های مرتبط با حراست از محیطزیست در برابر پسماندها مشاهده می‌شود. کنوانسیون‌های لندن و بازل الگویی برای دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در زمینه‌ی جلوگیری از تخلیه و حمل و نقل فرامرزی پسماندها شدند و تعهدات دولت‌ها را تحت یک سری قواعد مشترک درآوردند. قواعدی که دیگر نمی‌توان گفت که جز قواعد غیرالزام آور هستند و تکرار این قواعد در اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای خود باعث ایجاد قواعدی با ماهیت الزام‌آور شده است. گرچه که امروزه در جهان دادگاهی خاص برای رسیدگی به مسائل زیست محیطی وجود ندارد اما اکثر کنوانسیون‌های مربوط مراجع داوری و قضایی در سطح بین‌الملل و منطقه‌ای را برای ارجاع دعوای خود مشخص نموده‌اند به عنوان مثال ماده‌ی ۲۰ کنوانسیون بازل در زمینه‌ی حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای کنوانسیون می‌باشد که ابتدا اعضا را دعوت به حل و فصل اختلافات با روش‌های مسالمت‌آمیز می‌نماید و در صورتی که اختلاف حل نشده باقی بماند دیوان بین‌المللی دادگستری و نیز هیات داوری که طبق ضمیمه‌ی ۶ همان کنوانسیون تشکیل می‌گردد را پیشنهاد می‌کند، که این خود نشان دهنده‌ی ایجاد قوانینی سخت در زمینه‌ی حراست از محیطزیست در برابر پسماندها می‌باشد. در نتیجه دولت‌ها دیگر نمی‌توانند به بهانه‌ی غیرالزام آور بودن قوانین از پذیرش و



جبران خسارت شانه خالی کنند. گرچه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در زمینه‌ی حراست از محیط‌زیست در برابر پسماندها تحت نظام عام حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت می‌باشد اما اسناد مهمی در مورد مسئولیت و جبران خسارت در زمینه‌ی حراست از محیط‌زیست در برابر پسماندها به تصویب رسیده است که به عنوان نمونه می‌توان به پروتکل ۱۹۹۹ کنوانسیون بازل در خصوص مسئولیت و جبران خسارت برای خسارت‌های ناشی از حمل و نقل فرامرزی پسماندهای خطرناک و دفع آن‌ها نام برد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و مآخذ

- ۱- ابراهیم گل، علیرضا، مسئولیت بین‌المللی دولت، چاپ چهارم، انتشارات شهر دانش، تهران، ۱۳۹۱.
- ۲- اسدی، محمود، دادمهر فائزی رازی، رامین نبی‌زاده، مهناز وجدانی، مدیریت پسماندها خطرناک، چاپ اول انتشارت سازمان حفاظت از محیط‌زیست، ۱۳۷۱.
- ۳- آقایی، سید داوود، سازمان‌های بین‌المللی، چاپ ششم، انتشارات سرای عدالت، تهران، ۱۳۸۷.
- ۴- بیگ زاده، ابراهیم، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۹.
- ۵- پورنوری، منصور، محمد، حبیبی، حقوق بین‌الملل دریاها (کنواسیون حقوق بین‌الملل دریاها)، چاپ سوم، انتشارات مرکز ملی اقیانوس‌شناسی، تهران، ۱۳۸۶.
- ۶- تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق محیط زیست در ایران، چاپ دوم، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۸۷.
- ۷- تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ دوم، انتشارات نشر قوس، تهران، ۱۳۸۵.
- ۸- خانی، محمد حسن، پیشینه نقش سازمان‌های بین‌المللی در نظام بین‌الملل، چاپ اول، نشر دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۹.
- ۹- رعایایی، عماد، عباسی مزار، زهرا، فرهنگ لغت محیط زیست، انتشارات امور بهداشت، ایمنی و محیط زیست شرکت ملی نفت ایران، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۰- روش، کاترین، بایسته‌های حقوق محیط زیست، چاپ اول، ترجمه‌ی علی مشهدی، حسن خسروشاهی، زینب یوسفی، انتشارات خرسندی، تهران، ۱۳۹۱.



- ۱۱- زمانی، قاسم، حقوق سازمان‌های بین‌المللی (شخصیت، مسئولیت، مصونیت)، چاپ ششم، انتشارات شهر دانش، تهران، ۱۳۸۸.
- ۱۲- شیلتون، دینا، الکساندر، کیس، کتابچه‌ی قضایی حقوق محیط‌زیست، چاپ اول، ترجمه‌ی محسن عبدالهی، انتشارات خرسندی، تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۳- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ بیست و سوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۴- طلائی، فرهاد، حقوق بین‌الملل دریاها، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۰.
- ۱۵- طلائی، فرهاد، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۶- عمران‌ی، قاسمعلی، مواد زائد جامد، چاپ دوم، مرکز انتشارات عملی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۱۷- فیوضی، رضا، حقوق بین‌الملل (مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی از اتباع)، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۸- فیوضی، رضا، مسئولیت بین‌المللی و نظریه‌ی حمایت سیاسی اتباع، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۹- قائم مقام فراهانی، سید عبدالمجید، حقوق بین‌الملل سازمان‌های بین‌المللی، چاپ سوم، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲۰- کیس، الکساندر، پیت اچ، سنندر، وین فراید، لانگ، حقوق محیط زیست، جلد اول، ترجمه‌ی محمد حسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.